فهرست

[مقدمه 2](#_Toc127878979)

[مقدمه کلام شهید صدر 2](#_Toc127878980)

[مطلب اول 5](#_Toc127878981)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / ظلم

# مقدمه

در جلسه قبل دو رویکردی که در نقض‌های به حسن و قبح اشعری وارد است را بیان کردیم و گفتیم نقض‌هایی که در کتب کلامی واردشده است این است که زنجیره وجوب معرفت الله و وجوب طاعت و حرمت معصیت وابسته به حسن و قبح عقلی و در مقابل شهید صدر می‌گوید نه وابسته به آن نیست و اشعری هم می‌تواند این‌ها را اثبات کند.

شهید صدر در نقض اول می‌گوید ما بدون این‌که حسن و قبح عقلی و ذاتی را بپذیریم می‌توانیم بگوییم دین را دنبال می‌کنم منتها فرمایش شهید صدر مقدمه‌ای دارد در بحثی که بعدازآن پاسخ ایشان به این بحث روشن می‌شود.

# مقدمه کلام شهید صدر

در اصول مشاهده کرده‌اید که بحثی مطرح است به‌عنوان احکام جبلی و عریضی و احکام عقلی. برای توضیح این‌ها باید این‌طور عرض کنیم که اموری که از شیء صادر می‌شود چند نوع است:

1. یک نوع امور کاملاً طبیعی است که طبیعت اشیاء اقتضای صدور چیزی دارد که در این امور طبیعی فاعل ممکن است ذی‌شعور نباشد و حیوان و شاید نبات باشد. افعالی که از شئی صادر می‌شود به‌گونه‌ای که از صدور آن هیچ اختیاری ندارد و صدور آن از طبعی و ذاتی است بدون این‌که هیچ وصفی از آداب دخالتی داشته باشد این از گیاهان وجود دارد تا حتی انسان. مثل گل آفتابگردان به سمت آفتاب می‌رود و طبعش این‌چنین است. در خود انسان هم هست ما در سیستم ارگانیزم بدنمان خیلی چیزها وجود دارد که خودمان خبر نداریم مثل التیام پیدا کردن بدن در بیماری. این‌ها چیزهایی است که در موجودات عالم وجود دارد در جذب و دفع و ترمیم و صدور خیلی از فاعل‌های طبیعی است. در این‌ها هیچ علم آگاهی دخالتی ندارد.
2. نوع دوم افعال غریزی و جبلی است و احیاناً گاهی فطری گفته می‌شود مربوط به موجودات ذی‌شعور است که نوعی آگاهی پنهان هم در آن وجود دارد ولی توسیط مقدمات عقلی در آن وجود ندارد. بعضی می‌فرمایند خلق و هدی، یعنی هدایت خدا طبعی است که در موجودات ذی‌شعور وجود دارد و به سمت آن حرکت می‌کنند طفل به سمت شیر می‌رود و آنچه در کمال انسان و حیوان لازم است در طبیعت آن‌ها ودیعه گذاشته‌شده است و در طبیعت و ذاتشان ویژگی است که آن‌ها را پیش می‌برد خیلی از امور حالت غریزی دارد. اموری که از موجود ذی‌شعور صادر می‌شود و نوعی آگاهی هم در آن وجود دارد ولی چیز عقلی بر آن حاکم نیست. غالباً این امر غریزی هم با رشد او همراه است و می‌تواند هم نباشد و منت خدا این است که کشش‌هایی که در انسان قرار داده است که با آن جلو می‌رود برای کمال و رشد شخص مفید است و هماهنگ شده است برای این‌که جلوی سقوط طبیعی او را بگیرد . این غریزه‌ای است که در انسان و حیوان گذاشته‌شده است. جبلت و فطرت و غریزه او اقتضای این را دارد که این‌جور عمل کند در خوردن و آشامیدن و تمتعات جنسی و دفاع از خود از نگاه فلسفی به حب ذات و کمالات ذات برمی‌گردد. این چیزی است که گفته می‌شود احکام جبلی اگر حکم بدانیم می‌گوییم احکام جبلی و اگر حکمی ندانیم و بگوییم پشت‌صحنه این هیچ قیاسی وجود ندارد میگوییم رفتار غریزی. در استصحاب می‌گفتیم ابقاء ما کان علی ما کان می‌گویند این حکم یک رفتار جبلی بشر است و بشر را که به حالت خود واگذار کنیم به حالت سابقه خود ادامه می‌دهد و واقعاً هم همین‌طور است اگر این‌طور نباشد نمی‌تواند زندگی کند الا این‌که خلاف آن ثابت شود و این‌یک امر جبلی و غریزی و نهاده شده در آدمیان و حتی حیوانات است.
3. نوع سوم احکام عقل عملی است. که در اینجا توصیف می‌شود مقدمات فعل اختیاری. در احکام عقل عملی و نوع سوم که از موجود ذی‌شعور صادر می‌شود از حیث ذی‌شعور بودن در اینجا توصیف مقدمات عقل عملی وجود دارد و آن‌ها را واسطه قرار می‌دهد.

ما به نوع اول کاری نداریم و نوع دوم و سوم مهم است نوع دوم آن است که در موجود ذی‌شعور قرارگرفته به‌طور غریزی و بر همان اساس افعال انجام می‌شود ولی اختیار و انتخاب وجود ندارد و نوع سوم عبارت است از افعال اختیاری و انتخابی که در آن مقدمات عقلی و حِکمی واسطه می‌شود این‌یک بحث کلی است که درجاهای کلی مطرح می‌شود.

ایشان می‌فرماید وقتی می‌گوییم برو اطاعت خدا کن یا معرفت پیدا کن اگر بگوییم حکم عقل عملی وجود ندارد و از عقل عملی آن را بیرون بردیم یک امری از نوع جبلی و غریزی داریم و احتمال عقاب بدون این‌که کسی احتساب سود و زیان کند یک امر غریزی در بشر است همین احتمال می‌دهد جهنمی در کار باشد باعث می‌شود که احتیاط کند احتمال می‌دهد که ازاینجا بیرون می‌رود او را تیر بزنند به همین دلیل بی‌گدار به آب نمی‌زند. این قبل از این‌که حکم عقل عملی باشد که در قسم احکام عقلی بیاید یک حکم طبیعی است که احتمال عقاب دهد این همان لحظه دفاع است و به دلیل حب ذات است و مقابله با مهاجم است حالا می‌خواهد اشعری باشد یا معتزله یا امامی. آدمیان طبعی دارند که احتمالی هم پیدا شود که قابل‌اعتنا باشد در ورود مهاجم همان آن‌ها را متوقف و محتاط می‌کند و ایشان می‌فرماید ما نیازی نداریم حسن و قبح عقلی به معنای امامی و عدلی اثبات کنیم ما اشعری هستیم و حسن و قبح عقلی را قبول نداریم و همه افعال حکمشان علی السوی است مگر این‌که درجایی خدا ورود کند ازجمله وجوب طاعت و حرمت معصیت، طاعت خدا مثل معصیت خدا است و استحقاق مدح در طاعت و استحقاق ذم در معصیت ندارد و این‌ها همه علی السویه است ولی این‌که ما میگوییم طاعت خدا واجب است و معصیت خدا حرام است به دلیل این‌که خدا گفته است و همین شخص وقتی می‌بیند گرگ جلو می‌آید غریزه او می‌گوید فرار کن یا اگر می‌توانی مقابله کن البته این را باعقلش می‌فهمد ولی حکمی لازم نیست و غریزی است.

سؤال: نیازی به‌حکم نداریم؟

جواب: می‌گوید منکر حسن و قبح عقلی هم می‌تواند مطیع شود نیاز به آن نداریم. آقای صدر را ما اشعری نمی‌دانیم در مقام دفاع از آن‌ها در استدلال می‌گوید این نقض به اشعری وارد نیست زیرا این نقض وقتی وارد است که نظام اطاعت و عصیان از دین نیاز به‌حکم عقل مستقل عملی داشته باشد ایشان می‌گوید نیاز ندارد و می‌گوید من هم مثل همه آدم‌ها غریزه صیانت از خویش و حب ذات دارم و وقتی مواجه شوم با این‌که وراء این عالم خبری باشد و پشت این اعمال سود و زیانی باشد غریزه من را از معصیت بازمی‌دارد و وامی‌دارد به اطاعت پس رفتن به طاعت و پرهیز از معصیت نیاز به این حکم و عقل عملی ندارد بلکه هر انسانی با قطع‌نظر از این‌که اشعری یا امامیه یا عدلیه باشد غریزه‌ای دارد که او را از معصیت بازمی‌دارد. اگر میگوییم وجوب طاعت و حرمت معصیت شما این را حکم عقل عملی تلقی نکنید حالا مشکلی ندارد که شما امامیه هستید و قبول دارید ولی اگر امامیه هم نباشم و قبول نداشته باشم غریزه‌ این حرف‌ها را نمی‌شناسد. این‌یک امر غریزی است و مشرک و مسلم و اشعری و عدلیه نمی‌شناسد.

سؤال: غریزه جهنم را می‌فهمد؟

جواب: احتمال است، احتمال عقلایی بدهی که تیراندازی می‌شود غریزه جلوی شمارا می‌گیرد قبل از محاسبات.

سؤال: شبیه حرف آقای اصفهانی در دفع ضرر محتمل است.

جواب: بله ایشان می‌فرماید دفع ضرر محتمل یک امر جبلی است و در ذهنم می‌گشتم که شاید فرمایش ایشان در کلام آقای اصفهانی داشته باشد که همین است و درست هم هست.

سؤال: اگر غریزی بود باید تخلف از آن خیلی نادر باشد درحالی‌که تخلف از آن نادر نیست.

جواب: آن نادر بودن به دلیل غفلت موضوعی است نه غریزی تصور در صور موضوع است دو عامل دارد یا احتمال نیش غولی میداند الآن کسانی هستند که می‌گویند احتمال وجود خدا یا آخرت احتمالات نیش غولی است یا این‌که فوران شهوات و امثال این‌ها آن‌ها غافل از این احتمال می‌کند. و الا اگر احتمال عقلایی دهد غریزه او را بازمی‌دارد.

سؤال: کلاً فطرت نیست آدم احساس می‌کند عقل هم استفاده‌شده است.

جواب: فرق چیزهای جبلی با طبیعی همین است که در موجود ذی‌شعور است اما توسیط مقدمات عقلی و انتخاب‌گری به شکل عقلی در آن نیست این‌که در اینجا ملاحظه کردید عملاً در بحث‌های دقیق عقلی افتادیم.

درواقع پاسخ شهید صدر به این نقض و این‌که ایشان میگویند نیازهای ماوراء بحث‌های دینی گره نخورده است به حسن و قبح ذاتی در اینجا مبنا در بحث اول این است که احکام و رفتاری که ما داریم برخی طبیعی است و برخی جبلی است و بعضی عقلی است و ایشان می‌فرماید اقدام به طاعت و اجتناب از معصیت برآمده از یک امر جبلی و غریزی است نه حکم عقلی که اگر کسی عقل عملی را قبول را نداشته باشد دستش خالی باشد همه این‌ها فطرت و غریزه علی السویه در همه وجود دارد و با قطع‌نظر از این‌که نظر فلسفی‌اش در حسن و قبح ذاتی باشد یا اعتباری باشد. و به همین دلیل طاعت را انجام می‌دهد.

در بررسی فرمایش ایشان چند مطلب وجود دارد که من برخی را طرح می‌کنم و ادامه جلسه آینده.

## مطلب اول

سؤالی در اینجا مطرح است که این افعال غریزی و جبلی آیا تفاوت ماهوی و اساسی با افعالی که از مبدأ حکم عقل عملی صادر مشود دارد یا نه؟ تا الآن در اصول و مباحث دیگر اگر دقت داشته باشید می‌بینید این‌ها قسیم هم قرار می‌دهند میگویند احکام جبلی به غریزه برمی‌گردد و توسیط مقدمات عقلی انجام نمی‌شود طفلی که شیر می‌نوشد یا شخصی که از زلزله فرار می‌کند توسیط مقدمات عقلی در آن‌ها نیست و غریزی عمل می‌کند سؤال در اینجا ین است که در اینجا مقدمات عقلی چیده می‌شود یا نه به‌عبارت‌دیگر این‌ها فعل کاملاً غیر اختیاری‌اند یا اینکه فعل اختیاری‌اند اگر فعل اختیاری‌اند مقدمات تصور فعل و تصدیق به‌فایده و شوق و اراده و اختیار در آن ایجاد می‌شود. پس سؤال کلیدی این است که آیا افعال جبلی اختیاری‌اند و مبادی ارادی در آن‌ها ایجاد می‌شود یا نه؟ در اینجا ممکن است کسی بگوید لااقل این‌طور است که همگی شاید غیر اختیاری نباشد و برخی از این‌ها اختیاری‌اند ولی اختیاریت این‌ها به صورتی است که مبادی فشرده و با سرعت در آن جاری می‌شود پس ممکن است کسی بگوید این موارد در خیلی از موارد اختیاری است و وقتی اختیاری باشد یعنی مبادی اراده در آن‌ها جاری می‌شود آن هم که از خطر فرار می‌کند این مبادی در ذهن او به سرعت انجام می‌پذیرد پس این‌یک سؤال بود که ظاهراً پاسخش این است که لااقل در خیلی از موارد افعال غریزی یک پشتوانه اختیاری است و سیر مبادی ارادی است.

سؤال: ...

جواب: بله همین است.

اگر این سؤال را به این شکل جواب دهیم اولین مناقشه این است که در افعال جبلی هم اختیاریتی وجود دارد و اختیاریت هم هر جا باشد مبادی فعل اختیاری جاری می‌شود و تصدیق به‌فایده است و حکم عقل عملی وجود دارد این جوابی است که می‌شود به شهید صدر داد.